

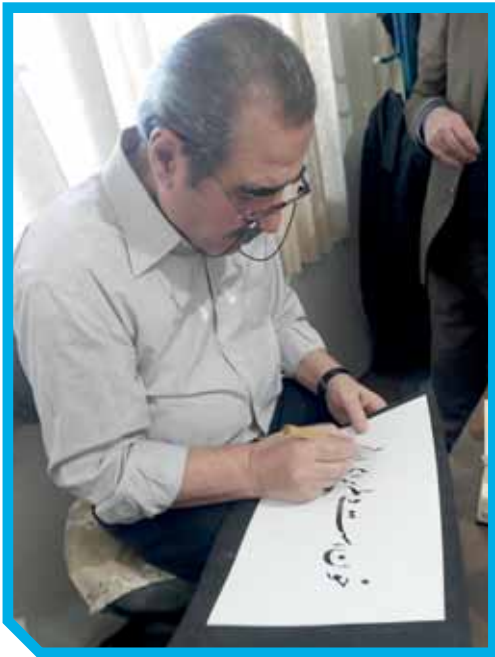
معالم محفصت

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

پرواز با شهبال کتابت قرآن

گفت‌وگو با استاد حسین رنجبران، دبیر هنر همدان

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر



اشاره

برای معلمان هنر بزرگ‌ترین سرمایه شاگردان آن‌ها و آثاری است که در عرصه هنر به یادگار می‌گذارند. در گذر زمان، اینان با دیدن شاگردان دیروز و امروز خویش و آثار خود، زندگی هنری خویش را امری مفید و مؤثر می‌دانند که هیچ‌گاه گرد فراموشی را تجربه نخواهد کرد.

معلمان هنر یا هنرمندان معلم که تجربه پنج دهه تدریس از آن‌ها دریایی از تجربه ساخته است می‌توانند چراغ راه هنرمندان و دیگر معلمان هنرمند جوانی باشند که نیاز دارند سیر و سلوک بزرگان و پیش‌کسوتان خود را درک کنند. استاد حسین رنجبران همدانی یکی از این رهروان است که با داشتن ۴۷ سال سابقه معلمی و ۴۰ سال تجربه تدریس هنر حرف‌های خواندنی خود را در این گفت‌وگو با رشد آموزش هنر در میان گذاشته است. برای ایشان که تاکنون سه بار توفیق کتابت کلام... مجید را داشته‌اند آرزوی توفیق داریم و شما را به خواندن متن گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

مدرسه حافظ شدم و بعد به دبیرستان ابن‌سینا رفتم و دیپلم گرفتم.

پدرم کارمند شرکت نفت بود و من ششمین فرزند خانواده بودم. پس از دیپلم دوره دو ساله دانش‌سرای راهنمایی را در سال ۱۳۴۷ طی کردم و وارد خدمت معلمی شدم و از آن تاریخ در خدمت

جناب رنجبران خودتان را
برای خوانندگان ما که -

همانا معلمان هنر در سراسر کشور هستند -
معرفی کنید.

در ۱۸ آذر ماه ۱۳۲۵ در محله جولان شهر باستانی همدان به دنیا آمدم. در هفت سالگی وارد



دانش‌آموزان شهرم بودم.

از ایام تحصیل بفرمایید و اینکه کشش‌های اولیه خوشنویسی در شما چگونه به وجود آمد؟ در مدرسه بیشتر به نقاشی گرایش داشتم. در عین حال معلم خوشنویسی ما مرحوم غلامحسین خان همایونی فرزند کاتب همایون درجینی بود و او بود که این کشش را در ما به وجود آورد. کاتب همایون از خوشنویسان زنده و از شاگردان برجسته میرزا غلامرضا اصفهانی بود. آقای همایونی درس خط را بسیار جدی می‌گرفت. او به خاطر اینکه در دانش‌آموزان توانایی بیشتری به وجود آورد قلم را برایشان می‌تراشید. حتی نحوه تراشیدن آن را آموزش می‌داد، این‌طور که قلم را می‌تراشید و بعد قلم تراشیده را می‌شکست و از دانش‌آموز می‌خواست که خودش قلم را بتراشد! در چنان فضایی و چنان معلمی، من اولین رگه‌های خوش خطی را در همان دوران دبیرستان تجربه کردم.

به شکل جدی‌تر چگونه خط را ادامه دادید؟ در سال ۱۳۵۸ پسرعموی من آقای قاسم لقمانی که خود از دبیران با سابقه هنر است مرا با آثار استاد کیخسرو خروش آشنا کرد و من افتخار شاگردی ایشان را پیدا کردم. استاد خروش اولین سرمشقی که به من داد این مصرع از یک غزل زیبای حافظ بود: «بی پیر مرو تو در خرابات/ هر چند سکندر زمانی» به این ترتیب روند آموزش من ادامه یافت و مراحل خوشنویسی را طی کردم تا اینکه در سال ۱۳۹۱ گواهی‌نامه استادی را نیز دریافت کردم که البته از نظر ارتقاء اداری و آموزشی هیچ تأثیری نداشت.

در مورد آثار چاپ شده و چاپ نشده‌تان توضیح فرمایید.

من رباعیات استاد ناصر مفرح همدانی را تحت‌عنوان کتاب «جلوه حق» به کتابت در آورده‌ام که چاپ شده است. از آثار چاپ نشده هم می‌توانم از رباعیات خیام، مثنوی پیر و جوان، دیوان باباطاهر و ترکیب‌بند محتشم کاشانی نام ببرم.

شما به شکل تخصصی از کاتبان قرآن هستید؛ در این مورد چه تجربیاتی دارید؟

در یکی از سحرگاه‌های ماه مبارک رمضان (سال ۱۳۸۸) از خداوند خواستم که به من توفیق نگارش قرآن را عنایت کند، و این موهبت الهی شامل‌حالم

شد. نگارش قرآن بسیار حس خوشایندی است. در حقیقت من در آن شب نذر کردم که قرآن را تحریر کنم و این کار را آغاز کردم و یک سال بعد، یعنی ماه رمضان سال ۱۳۸۹ آن را به اتمام رساندم. قرآن دوم را هم از سال‌روز تولد حضرت محمد (ص)، ۱۷ ربیع‌الاول، آغاز کردم و تا سال بعد در همان روز آن را به اتمام رساندم. این دو قرآن را به خط نستعلیق نوشتم، ولی قرآن سوم را به خط شکسته آغاز کردم که آن هم از سال روز تولد حضرت مولی‌الموحدین علی (ع) یعنی سیزدهم رجب، شروع شد و در مدت ۷ ماه به اتمام رسید.

نگارش قرآن مجید برای شما چه آثار و برکاتی داشت؟

بسیار زیاد! اما در یک کلام باید عرض کنم که من نگارش سه باره قرآن مجید و نوشتن خط به طور کلی را یکی از عوامل حیات و زنده بودن خودم می‌دانم. نوشتن قرآن برای من به منزله فراموشی سایر چیزهاست؛ این کار نیرو و توان زایدالوصف و شادی‌آفرینی به من می‌دهد و خدا را از این جهت شاکرم تأثیر روانی خط بسیار بالاست. نوشتن اندرزه‌های بزرگان، احادیث و کلام خدا در شخصیت خوشنویس اثر مثبت خودش را می‌گذارد و این کار به محیط خانواده نیز تسری می‌یابد.

برای دبیران جوان هنر چه توصیه‌هایی دارید؟

من ۴۷ سال سابقه تدریس دارم که برایم همه این سال‌ها خاطره است. دانش‌آموزان مستعدی داشتم که امروز دیدن هر یک از آن‌ها برایم لذت‌آفرین است. توصیه من به دبیران هنر این است که درس خودشان را جدی بگیرند. هر دبیر هنری که خودش در کلاس به تولید هنری و مثلاً خط نوشتن بپردازد بیشترین تأثیر را در بچه‌ها خواهد داشت. به خاطر دارم که برای بچه‌ها در یک روز تا ۱۲۰ سرمشق می‌نوشتیم. معلم خبره هنر کلاس را جان تازه‌ای می‌بخشد و به بچه‌ها انگیزه می‌دهد. دبیر هنر آگاه و متخصص بچه‌ها را مشتاق می‌کند. آفرینش هنری در کلاس باید اتفاق بیفتد تا فرایند تدریس منتهی به اثرگذاری بشود. شاگردان موفق من با این شیوه هنر را دنبال می‌کنند. روی درس هنر باید حساب ویژه باز کرد. باید سعی کنیم به هنر هم‌شان درس ریاضی اهمیت بدهیم.

از شما بابت شرکت در این گفت‌وگو کمال تشکر را داریم.

تأثیر روانی خط بسیار بالاست. نوشتن اندرزه‌های بزرگان، احادیث و کلام خدا در شخصیت خوشنویس اثر مثبت خودش را می‌گذارد و این کار به محیط خانواده نیز تسری می‌یابد

